

فهرست

مقدمه.....	۱۲
فصل اوّل / الف - قوانین و مقررات درباره وکلاء رسمی و کارگشایان دادگستری.....	۱۳
قوانین و مقررات درباره وکلاء رسمی و کارگشایان دادگستری.....	۱۴
الف - مقررات کلی درباره وکالت و وکلاء.....	۱۴
از قانون وکالت.....	۱۴
از آئین‌نامه قانون وکالت.....	۱۹
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری.....	۲۵
آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری.....	۳۲
قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضائی لیسانسیه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح.....	۴۷
تصویب‌نامه اجازه انعقاد قرارداد و زارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با وکلاء دادگستری جهت اقامه یا تعقیب یا دفاع دعاوی و.....	۴۸
تصویب‌نامه مورخ ۱۳۷۶/۸/۷ هیئت وزیران راجع به انعقاد قرارداد جدید وکالت و مشاوره حقوقی.....	۵۳
قانون الحاق دو تبصره به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور.....	۵۳
آئین‌نامه تعیین مرجع گواهی وکالت در دعاوی در ممالکی که دولت ایران در آن نمایندگی سیاسی یا کنسولی ندارد.....	۵۴
قانون نحوه اصلاح کانون‌های وکلاء دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی».....	۵۷
ب - مقررات مربوط به مسائل مالی وکالت و وکلاء:.....	۵۸
آئین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری.....	۵۸
آئین‌نامه مربوط به تعیین میزان و طرز وصول حق عضویت سالانه وکلاء دادگستری.....	۶۲
قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری.....	۶۳
قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء و تأمین هزینه‌های کانون وکلاء دادگستری.....	۶۶

قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضائی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) از پرداخت هزینه دادرسی	۶۷
قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری	۶۸
قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح	۷۱
از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۷۲
از قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور درباره پرداخت هزینه تأسیس مؤسسه مشاوره حقوقی	۷۲
عدم حضور وکیل در دادگاه در موعد مقرر بدون عذر موجه	۷۳
فصل اول / ب - رعایت رسم الخط فارسی در آیین نگارش حقوقی	۷۹
رعایت رسم الخط فارسی در آیین نگارش حقوقی	۸۰
فصل دوم - مشاوره‌های قضائی (وکالت در دعاوی)	۸۳
وکالت در دعاوی	۸۴
مشاوره‌های قضائی «وکالت»	۹۵
فصل سوم - لوايح دفاعی از طرف خوانده / وکیل خوانده «جلسه اول رسیدگی»	۱۲۸
نمونه دادخواست خواهان به خواسته صدور حکم بر تأیید انفساخ	۱۲۹
نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده (جلسه اول رسیدگی)	۱۳۰
نمونه رأی دادگاه / تفسیر خواسته به تنفیذ فسخ قرارداد	۱۳۱
نمونه دادخواست ابطال اسناد رسمی	۱۳۲
نمونه لایحه دفاعیه (جلسه اول)	۱۳۳
نمونه اخطار اداره اوقاف به دفترخانه اسناد رسمی	۱۳۴
نمونه اخطار اداره اوقاف به اداره ثبت اسناد و ملاک	۱۳۶
نمونه اقدام اداره اوقاف در طرح دعوی علیه اداره ثبت	۱۳۷
نمونه لایحه دفاعیه اداره اوقاف (جلسه اول دادرسی)	۱۳۹
نمونه رأی دادگاه / حکم بر بطلان دعوی	۱۴۲
نمونه دادخواست تأیید و تنفیذ فسخ قرارداد به علت خیار شرط صفت	۱۴۴
نمونه لایحه بدل از حضور وکیل خوانده (جلسه اول دادرسی)	۱۴۵
نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر بی‌حقی	۱۴۷
نمونه لایحه اعتراضی وکیل تجدیدنظرخواه	۱۴۸

نمونه دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی اجاره یکساله با اجاره بهای متعارف از طرف برنده مزایده سرقفلی.....	۱۵۰
نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول).....	۱۵۱
نمونه دادخواست اصلی به خواسته تسلیم مبیع و تنظیم سند رسمی انتقال.....	۱۵۲
نمونه دادخواست تقابل به خواسته صدور حکم بر انفساخ عقد بیع.....	۱۵۳
نمونه لایحه دفاعیه (جلسه اول).....	۱۵۴
نمونه رأی دادگاه / پذیرش قسمتی از دعوی اصلی و رد دعوی تقابل.....	۱۵۵
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض قرار رد دادگاه بدوی نسبت به دعوی اصلی و.....	۱۵۸
روش صحیح / تأیید و تنفیذ فسخ به لحاظ عدم انجام شرط فعل از مصادیق تخلف شرط.....	۱۵۹
فصل چهارم - اعتراض به احکام / قرارها (مرحله تجدیدنظر).....	۱۶۰
نمونه رأی دادگاه / رد درخواست فسخ به علت کسر مساحت مبیع و رد دعوی تقابل به خواسته مطالبه خسارت وجه التزام.....	۱۶۱
نمونه لایحه اعتراضیه (مرحله تجدیدنظر).....	۱۶۳
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه و صدور حکم بر محکومیت تجدیدنظر خوانده به پرداخت خسارت وجه التزام.....	۱۶۴
خيارات.....	۱۶۵
نمونه رأی دادگاه / قرار عدم استماع تقسیم و فروش ماترک (سرقفلی).....	۱۶۷
نمونه لایحه اعتراضیه وکیل.....	۱۶۸
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی.....	۱۶۹
بررسی قوانین مؤجر و مستأجر قوانین قبل از انقلاب.....	۱۷۰
نمونه رأی دادگاه خانواده / الزام به پرداخت نفقه اقارب.....	۱۸۰
نمونه برگ دادخواست تجدیدنظرخواهی.....	۱۸۱
نمونه لایحه وکیل تجدیدنظرخواه.....	۱۸۲
نمونه برگ اخطار دفتر دادگاه بدوی به تجدیدنظرخوانده.....	۱۸۳
نمونه لایحه (تبادل لوایح).....	۱۸۴
نمونه رأی دادگاه / مطالبه نفقه اقارب.....	۱۸۵
نمونه برگ دادخواست تجدیدنظرخواه.....	۱۸۶
نمونه لایحه اعتراضی وکیل به دادگاه تجدیدنظر استان.....	۱۸۷
نمونه برگ اخطار به تجدیدنظر خوانده جهت ارائه پاسخ.....	۱۸۸

- ۱۸۹ نمونه لايحه (تبادل لوايح).
 ۱۹۰ نمونه رأی دادگاه / حکم به ممنوعیت خروج طفل از کشور
 ۱۹۱ نمونه برگ دادخواست تجدیدنظرخواهی
 ۱۹۲ نمونه لايحه اعتراضی وکیل تجدیدنظرخواه
 ۱۹۴ نمونه برگ اخطار به تجدیدنظر خوانده جهت ارائه پاسخ
 ۱۹۵ نمونه لايحه (تبادل لوايح).
 ۱۹۶ گفتار در آثار عقد نکاح
 ۲۲۲ نمونه رأی دادگاه / رد دادخواست تقسیم اراضی
 ۲۲۴ نمونه لايحه اعتراضیه وکیل در مرحله تجدیدنظرخواهی
 ۲۲۶ نمونه لايحه (تبادل لوايح).
 ۲۲۷ نمونه لايحه وکیل تجدیدنظرخواه (دعای ثبت احوال).
 ۲۲۸ نمونه رأی دادگاه / نقض دادنامه و ابطال و الزام به صدور شناسنامه
 ۲۲۹ نمونه لايحه در مرحله تجدیدنظرخواهی / اعسار
 ۲۳۰ نمونه کیفرخواست دادسرا / به اتهام معامله به قصد فرار از دین
 ۲۳۱ نمونه ضمانت اجرای کیفری معامله به قصد فرار از دین و مقایسه آن با کلاهبرداری
 ۲۳۶ نمونه رأی دادگاه عمومی جزائی / محکومیت متهمین
 ۲۳۷ نمونه رأی دادگاه حقوقی / اثبات مالکیت / الزام به تنظیم سند رسمی
 ۲۳۸ نکته نگارشی
 ۲۳۹ نمونه لايحه اعتراضیه
 ۲۴۰ نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض و اعاده پرونده
 ۲۴۱ نمونه رأی دادگاه کیفری استان / برائت از اتهام زنای محصنه محکومیت به رابطه نامشروع
 ۲۴۳ نمونه لايحه اعتراضیه به دیوان عالی کشور
 ۲۴۹ نمونه رأی دادگاه عمومی جزائی / محکومیت متهم به کلاهبرداری به تحمل ۷ سال حبس
 ۲۵۱ نمونه لايحه اعتراضیه وکیل محکوم علیه
 ۲۵۴ عنصر معنوی در جرایم
 ۲۶۳ دادگاه عمومی حقوقی / تعیین امین اموال غایب
 ۲۶۴ نمونه دادخواست محکوم علیه در اعتراض به تعیین امین اموال غایب
 ۲۶۷ نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر بطلان دعوی
 ۲۶۸ نمونه لايحه تجدیدنظرخواهی وکیل
 ۲۶۹ امور حسبیه

- ۲۷۱ نمونه رأی دادگاه / تنفیذ وصیت نامه عادی
- ۲۷۲ نمونه لایحه اعتراضیه وکیل در مرحله تجدیدنظر
- ۲۷۶ نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / اصلاح و تأیید دادنامه
- ۲۷۷ نمونه لایحه جلسه اول از طرف خواهان / مطالبه خسارت
- ۲۷۹ نمونه دادخواست اشتباه اول / ابطال سند
- ۲۸۰ نمونه لایحه دفاعی جلسه اول رسیدگی (اموال غیر منقول)
- ۲۸۳ نمونه لایحه دفاعیه در دعوی جلب ثالث
- نمونه دادخواست مجدد - اثبات مالکیت - ابطال معامله بین خواندگان - ابطال نقل و انتقالات رسمی و سند رسمی - الزام به تنظیم سند رسمی انتقال ۲۸۴
- نمونه لایحه دفاعیه خواننده (جلسه اول رسیدگی) ۲۸۵
- نمونه لایحه وکیل شاکی در مرحله دادگاه (کیفری - خیانت در امانت) ۲۹۰
- نمونه دادخواست وکیل به خواسته صدور حکم طلاق به علت عسر و حرج ۲۹۳
- نمونه «لایحه دفاعیه» زوج (خواننده) ۲۹۴
- نمونه رأی دادگاه (مستمسک وکیل) مطالبه نفقه و تمکین ۲۹۵
- نمونه نمونه رأی دادگاه / درخواست طلاق از طرف زوجه ۲۹۶
- نمونه لایحه اعتراضی وکیل تجدیدنظر خواه ۲۹۸
- فصل پنجم - سایر لوایح (حقوقی - کیفری) ۳۱۲
- نمونه لایحه دفاعیه خواننده دعوی اعتراض شخص ثالث (حقوقی) ۳۱۳
- نمونه اعتراض ثالث اجرایی ۳۱۷
- نمونه لایحه - اجرای احکام کیفری تقاضای عدول از اخطار اجرائی ۳۳۴
- نمونه لایحه اعتراضی وکیل تجدیدنظرخواه (حقوقی) ۳۳۵
- نمونه شکوائیه به دادسرای انتظامی قضات ۳۴۰
- نمونه لایحه / تقاضای اعاده دادرسی در امور کیفری ۳۴۳
- نمونه لایحه دفاعیه / کیفری - ضرب و جرح با چاقو ۳۴۵
- نمونه لایحه دفاعیه جلسه اول رسیدگی (شرکت سیمان تهران) (حقوقی) ۳۴۶
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل (جلسه اول) ابطال معامله صوری (حقوقی) ۳۴۹
- نمونه لایحه / مرحله تجدیدنظرخواهی / تبادل لوایح (حقوقی) ۳۵۰
- نمونه لایحه دفاعیه خواننده (زوج) در برابر مطالبه مهر (حقوقی) ۳۵۱
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل (زوج) در برابر دعوی مطالبه نفقه زوجه باکره (حقوقی) ۳۵۲

- نمونه لايحه دفاعيه خوانده (زوج) جلسه اول رسيدگي (مطالبه مهر افزايش يافته) (حقوقی) ۳۵۵
- نمونه «لایحه - اعتراض به تمدید مجدد قرار بازداشت موقت» (کیفری) ۳۵۷
- نمونه لايحه دفاعيه (جلسه اول رسيدگي) (تمکين) (حقوقی) ۳۶۰
- نمونه «لایحه - درخواست صدور گزارش اصلاحی» (حقوقی) ۳۶۱
- نمونه لايحه / پاسخ به اعتراض اتحاديه به تصميم متخذة در کميسيون هیأت عالی نظارت بر سازمان های صنفی کشور و تقاضای اعمال ماده ۱۸ ق.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۵ ۳۶۲
- نمونه لايحه واخواهی وکیل در اتهام انتقال مال غير ۳۶۹
- نمونه لايحه دفاعيه کيفری / اتهام ترک انفاق زوجه باکره ۳۷۳
- نمونه لايحه دفاعيه بانک مرتهن / جلسه اول دادرسی (حقوقی) ۳۷۴
- نمونه لايحه دفاعيه وکیل متهم به قوادی (کیفری) ۳۷۶
- فصل ششم - ساير دادخواست های حقوقی ۳۷۷
- نمونه دادخواست الزام شرکت بیمه گر به انجام تعهدات قراردادی و پرداخت غرامت فوت ناشی از بیمه عمر ۳۷۸
- نمونه دادخواست ابطال تقسیم و تقسیم نامه و تقسیم ماترک ۳۸۰
- نمونه دادخواست حقوقی / رفع مزاحمت ملکی (دعوی غير مالي) ۳۸۲
- نمونه دادخواست خلع يد - قلع و قمع ابناء و کلیه مستحذات ۳۸۳
- نمونه دادخواست / اثبات مالکیت - تنظیم سند قدرالسهم مشاعی (با وکالت مع الواسطه) ۳۸۷
- نمونه دادخواست دیوان عدالت اداری / درخواست نقض آراء کمیسیون ماده صد شهرداری ها ۳۸۹
- نمونه دادخواست تنفیذ اذن و اجازه انجام طلاق به درخواست زوجه به علت نقض شروط ضمن عقد نکاح ۳۹۱
- نمونه دادخواست اثبات مالکیت / تنظیم سند / خلع يد مطالبه اجرت المثل ۳۹۳
- نمونه دادخواست / بطلان تقسیم و تقسیم نامه ۳۹۵
- نمونه دادخواست / اثبات مالکیت / ابطال معامله (عقد بیع) و نقل و انتقال رسمی انجام شده تنظیم سند رسمی خودرو ۳۹۷
- نمونه دادخواست / دستور موقت جهت صدور قرار تأخیر در اجرای حکم اثبات مالکیت ابطال اسناد رسمی (دعوی مالي غير منقول) ۳۹۹
- نمونه دادخواست تقابل به خواسته اعسار به تقسيط مهر زوجه ۴۰۲
- نمونه دادخواست تعیین مهرالمثل به علت مستحقّ للغیر در آمدن مهر تعیین شده در عقد نکاح دائم (دعوی مالي منقول) ۴۰۴

- ۴۰۵ نمونه دادخواست تعیین مهرالمثل زوجه و الزام زوج به پرداخت آن.
- ۴۰۶ نمونه دادخواست مطالبه نفقه معوقه و یارانه نقدی و تعیین نفقه ماهانه.
- ۴۰۷ نمونه دادخواست طلاق رجعی زوجه منکوحه باکره.
- ۴۰۸ نمونه دادخواست بطلان عقد نکاح منقطع به علت عدم تعیین مدت در آن.
- ۴۰۹ نمونه دادخواست الزام به تمکین خاص.
- نمونه نمونه دادخواست تنفیذ فسخ عقد نکاح به علت خیار تدلیس (شرط صفت / خیار عیب) (دعوی غیر مالی) ۴۱۰
- «گفتاری در فسخ نکاح» ۴۱۳
- نمونه دادخواست اعلام بطلان عقد بیع و بیع نامه به لحاظ مستحق لغیر درآمدن مبیع و مطالبه غرامات به ملاک میزان افزایش نرخ تورم ۴۲۳
- نمونه دادخواست مطالبه وجه چک از صادرکننده و ضامن ۴۲۵
- گفتار در اقسام ظهرنویسی ۴۲۶
- گفتار در اثرات ظهرنویسی ۴۲۷
- گفتار در مهلت اقامه دعوا بر علیه ظهرنویسان ۴۲۹
- گفتار در آثار ظهرنویسی پس از گواهی عدم پرداخت ۴۳۰
- فصل هفتم - سایر احکام قضایی** ۴۳۱
- نمونه رأی دادگاه / اثبات مالکیت - ابطال سند ماده ۱۳۳ ۴۳۲
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / هیه ۴۳۴
- نمونه رأی دادگاه / پرداخت دیه از بیت المال ۴۳۵
- نمونه رأی دادگاه / ابطال عقد بیع و مبیعه نامه به علت محجور بودن فروشنده ۴۳۶
- نمونه رأی دادگاه / مطالبه وجه چک ۴۳۸
- گفتاری در: اوصاف و اصول حاکم بر اسناد تجاری (چک) ۴۳۹
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه متضمن محکومیت به ترک انفاق و صدور حکم برائت ۴۴۳
- نمونه رأی دادگاه کیفری / تحصیل مال مسروقه ۴۴۵
- نمونه رأی دادگاه حقوقی / تأیید خلع ید - ابطال سند رسمی - الزم به تنظیم سند - دستور موقت ۴۴۶
- نمونه رأی دادگاه حقوقی / مطالبه مهر ۴۴۸
- گفتار پیرامون مهر ۴۴۹
- نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی / تمکین ۴۶۵

- ۴۶۶ نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض قرار و اعاده پرونده.
- ۴۶۸ نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر بی‌حقی خواهان‌ها.
- ۴۷۰ نمونه دادنامه / تأیید و ثبت واقعه طلاق در خارج از کشور.
- ۴۷۱ نمونه رأی دادگاه کیفری / خیانت در امانت.
- ۴۷۲ نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تبدیل حبس به جزای نقدی و تأیید دادنامه.
- ۴۷۳ اصل برائت (امانت).
- ۴۷۵ نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی / مطالبه وجه چک.
- ۴۷۶ نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی / الزام به تنظیم سند رسمی انتقال.
- ۴۷۷ نمونه رأی دادگاه عمومی بخش / قرار رد دعوی ابطال عقد و اجاره‌نامه.
- ۴۸۰ نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض دادنامه، قرار رد دعوی.
- ۴۸۲ نمونه رأی دیوان عالی کشور / تشخیص خلاف بین شرع و قانون بودن.
- ۴۹۵ چند نمونه از قوانین، مصوبات و آراء در سال ۹۱ و ۹۲.
- ۴۹۷ نظریات مشورتی در مورد وکالت دادگستری.
- ۵۰۰ فصل هشتم - ضائم / یادآوری دروس.

مقدمه

تشخیص نوع و عنوان دعوی دارای قاعده و ضابطه خاصی است که قانونگذار و عرف قضایی مشخص کرده است و هر کس نمی‌تواند به سلیقه خود هر مفهومی را که اراده می‌کند، برای دعوی تعریف نماید، و آن را از شمول نظر قانونگذار خارج و از مصادیق موارد دیگر که قانونگذار مقصود از آن را برای دعوی دیگر تدوین و تصویب نموده، اعلام و حکمی خلاف قانون بر آن بار نماید.

نوع و نام قضایی هر دعوی تابع عنوان خواسته آن است.

این خواهان است که با تعیین خواسته خود نوع دفاع را معین نموده و مرجع قضایی نیز به تبعیت از این انتخاب، دعوی را در مسیر قانونی و منتخب وکیل خواهان رسیدگی و حکم یا قرار صادر می‌کند. با حفظ این مقدمات، به عقیده نگارنده، انشاء لوایح و یا رأی نیاز به خلاقیت دارد و تقلیدبردار نیست چه طبیعی است که اگر وکیل مبنای کار خویش را بر تقلید از نمونه‌های لوایح دفاعی دیگران نهد، دیگر محلی برای ابداع باقی نمی‌ماند لذا نگارنده در صدد دادن سرمشق نیست بلکه کوشش بر آن است تا دقت کاربران را به کلام و استواری آن معطوف دارد گرچه این کتاب و «مجموعه ۱۰ جلدی» آن مشتمل بر مسائلی از منطق قضایی و طریق استدلال در لوایح و احکام نیز هست و چون در بررسی نمونه‌های احکام و لوایح دفاعی بیشتر نظر بر بیان مسائل نگارشی و ایضاً استدلال‌ات حقوقی بوده است تسوید اوراقی مستقل و خاص در این زمینه نیز ضرورت داشته و نگارنده بدان اهتمام ورزیده است.

امید است این کتاب به عنوان راهنمای نگارش لوایح (۲) بتواند مسیر روشن و دقیق پیش روی کاربران ارجمند قرار دهد.

نگارنده

جعفر اخترنیا

۱۳۹۲

avabook.com

فصل اوّل / الف

قوانین و مقررات درباره وکلاء رسمی و کارگشایان دادگستری

وکالت: وکالت مصدر است به معنی واگذاردن و به لسان فقها یعنی نایب گرفتن برای انجام کاری، چنانچه قانون مدنی در ماده ۶۵۶ آورده است «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می نماید.»

وکالت ممکن است به طور مطلق و برای تمام امور موکل باشد و یا مقید و برای امر یا امور خاصی (ماده ۶۶۰ ق.م.) و قاعده کلی این است که «وکالت در هر امر مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر اینکه تصریح به عدم وکالت باشد» (ماده ۶۷۱ ق.م.) به هر حال وکالت عقدی است غیر مجانی (ماده ۶۷۷) و جایز که هر کدام از موکل و وکیل هر وقت بخواهند می توانند آن را بهم بزنند. (ماده ۶۷۸ ق.م.)

قوانین و مقررات درباره وکلاء رسمی و کارگشایان دادگستری

الف - مقررات کلی درباره وکالت و وکلاء...

از قانون وکالت

مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ه
با اصلاحات و الحاقات بعدی

فصل اول - وکیل و شرایط وکالت

ماده ۱- وکالت در عدلیه دارای درجات ذیل است:

- ۱- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف و تمیز.
- ۲- وکالت در محاکم صلح و بدایت و استیناف.
- ۳- وکالت در محاکم صلح و بدایت.

تبصره ۲- وزارت عدلیه می تواند برحسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان شغل وکالت که معلوماتشان کافی برای درجات سه گانه نیست مطابق نظامنامه مخصوص امتحان نموده اجازه وکالت در محاکم صلح یا نزد مأمورین صلح در حوزه های معین بدهد - اگر داوطلب مزبور در حین اجرای این قانون مشغول وکالت بوده و صلاحیت او برای درجات سه گانه فوق تصدیق نشده است از امتحان معاف خواهد بود.

این اشخاص کارگشا نامیده می شوند.

ماده ۲- اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در عدلیه نباشد اگر بخواهند برای اقریبای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال سه نوبت جواز وکالت اتفاقی داده شود.

ماده ۶- اشخاصی که به موجب حکم محکمه انتظامی منوع الوکاله شده اند هرگاه موجب حکم صرفاً عقد معلومات بوده می توانند از مقررات تبصره ۲ ماده یک استفاده نمایند - هرگاه ممنوعیت آنها فقط از جهات اخلاقی بوده پس از ۵ سال از تاریخ صدور حکم می توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال منافی اخلاقی از آنها

مشاده نشده باشد - هرگاه ممنوعیت آنها از دو جهت بوده در صورت گذشتن ۵ سال نیز می‌توانند از مورد تبصره ۲ ماده یک استفاده نمایند.

ماده ۱۵- پروانه وکالت باید همه ساله مطابق تعرفی ذیل تمبر شود: (۱)

برای پروانه وکالت درجه اول ۴۰۰۰ ریال.

برای پروانه وکالت درجه دوم ۲۰۰۰ ریال.

برای پروانه وکالت درجه سوم ۱۵۰۰ ریال.

برای پروانه وکالت کارگشائی.

به تفاوت نقاط از ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال.

برای پروانه وکالت اتفاقی هر دفعه ۱۰ ریال.

فصل دوم - تشکیلات وکلاء

ماده ۲۲- دفتر - اوراق راجع به وکالت باید مطابق نمونه‌ای که کانون مرکز تعیین می‌نماید تهیه شود - درآمد کانون هر محل به مصرف خود آن کانون خواهد رسید.

ماده ۲۳- وکلاء عدلیه مکلفند همه ساله در سه دعوی حقوقی به عنوان معاضدت قبول وکالت نمایند و چنانچه موکل محکوم‌له واقع شود حق الوکاله قانونی از آنچه که وصول شود به او پرداخت خواهد شد - پنج یک آن متعلق به کانون است.

ماده ۲۴- کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروطه به اینکه دعوی با اساس و راجع به شخص تقاضاکننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضائی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد نمود.

فصل سوم - حقوق و وظایف

ماده ۲۷- نسخ شده. (۲)

ماده ۲۸- در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمیع بین اوقات ممکن نباشد باید حضور در دیوان جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به

۱- اصلاحی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۳۰.

۲- بر اساس بند ۱۷ مصوب مرداد ماه ۱۳۳۴، الحاقی به ماده ۷۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی نسخ شده است.

دادگاه یا دادگاه‌های دیگر لایحه بفرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام بدارد.

در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنائی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می‌داند حاضر می‌شود و به دادگاه‌های دیگر لایحه می‌فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می‌دارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آنکه حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگر می‌فرستد و یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی اخطاریه به دادگاه جنائی یا دیوان کیفر را ضمن لایحه‌ای برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می‌کند و در صورت اخیر فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱- وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاه‌های مذکور برحسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۳- هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدید شود، رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند.

هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت و الا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می‌کند و دادگاه حکم خواهد داد.^(۱)

ماده ۲۹- از وکلائی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه مقرر پذیرفته نمی‌شود.

هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.

ماده ۳۰- وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و هم‌چنین

۱- اصلاحی مصوب ۱۳۴۶/۲/۱۴.

اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

ماده ۳۱- وکلاء باید وکالت انتخابی حقوقی و جزائی را که در حدود قوانین و نظامات به آنها ارجاع می شود قبول نمایند.

تبصره - مقصود از وکالت انتخابی وکالتی است که از طرف محکمه در موارد جزائی و از طرف کانون در امور حقوقی به آنها ارجاع می شود.

ماده ۳۲- وکلاء باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالت نامه تسلیم دارند^(۱) - قرارداد حق الوکاله و فهرست اسنادی که موکل به وکیل می سپارد و هم چنین قبوض و جوهی که وکیل دریافت می دارد مطابق نمونه ایست که از طرف وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۳۳- قرارداد حق الوکاله که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود باید به ترتیب تصاعد نسبت به مدعی به و نسبت به مراحل محاکمه بدایت و استیناف و تمیز معین شود.

میزان خسارتی که محکوم له می تواند از محکوم علیه مطالبه نماید، هم چنین میزان مخارج مسافرت هائی که وکلاء عدلیه برای امور وکالتی می نمایند نیز مطابق تعرفه ایست که وزارت عدلیه تنظیم می نماید.

ماده ۳۵- مخارج لازمه مذکور در ماده قبل عبارت است از: مخارج عدلیه و خرج مسافرت و خرج تحقیقات و معاینه محلی و حق الزحمه مصدقین و خیره و حق الحکمی و خرج تلگراف و پست و طبع اعلانات.

ماده ۳۶- در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

ماده ۳۷- وکلاء نباید بعد از استعفاء از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهت وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیرد.

ماده ۳۸- وکلاء نباید به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای رد قاضی یا حکم یا وکیل مدافع طرف یا به منظور تحویل محاکمه به وسیله خدعه آمیزی متوسل شوند.

۱- به رأی وحدت رویه شماره ۱۸۵۵ - ۱۳۳۵/۹/۵ مراجعه شود.

در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد.

ماده ۳۹- وکیل حق ندارد دعاوی را به طور مصاحبه یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به اسم خود انتقال بگیرد و این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد.

ماده ۴۰- وکلاء نمی‌توانند نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه سمت قضائی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند قبول وکالت نمایند.

ماده ۴۱- در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آنکه وکیل با طرف موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید.

ماده ۴۲- وکلاء باید در مذاکرات شفاهی در محکمه و لوايح کتبی احترام و نزاکت را نسبت به محاکم و تمام مقامات اداری و نسبت به وکلا و اصحاب دعوی مرعی دارند در صورت تخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهند شد مگر اینکه عمل مشمول یکی از عناوین جزائی باشد که در این صورت به حداکثر مجازات مقرر در قانون محکوم خواهند شد.

ماده ۴۳- وکلاء باید دارای دفتر منظم بوده و مراسلات و مکاتباتی که راجع به امر وکالت است ثبت و ضبط نمایند. طرز تنظیم و نگاهداری آن را دفتر بازرسی و تشکیلات وکلا معین خواهد نمود و حفظ دفتر و نه چک قبوض تا ده سال پس از تاریخ ختم آن اجباری است.

ماده ۴۴- وکلا باید پس از ابلاغ حکم با قرار و یا اختطاری که مستلزم انجام امر یا دادن خرجی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او کتباً اطلاع دهند به طوری که تفویض حقی از او نشود.

ماده ۴۵- وکلا باید اثر قانونی عدم پیشرفت دعوی موکل را در امری که نسبت به آن قبول وکالت می‌نمایند اعم از امور حقوقی و جزائی مخصوصاً در اقامه دعوی جزائی و دعاو یجعل و اعسار قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله به موکل خاطر نشان نمایند.

فصل چهارم - در تعقیب و مجازات انتظامی وکلا

ماده ۵۵- وکلاء معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوق و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا

عضویت در مؤسسات خود را اصیل دعوی قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.

فصل پنجم - مقررات مختلفه

ماده ۵۶- در صورت فوت و حجر و کیل، مدعی العموم بدایت و در نقاطی که پارکه نیست امین یا مأمور صلح به تقاضای اشخاص اسناد و اوراق راجعه به آنها را که نزد وکیل بوده با حضور متصدی امور متوفی و در صورت استنکاف ورثه و یا متصدی امور متوفی از تسلیم اوراق و اسناد مدعی العموم یا قائم مقام او با حضور نماینده محکمه بدایت یا صلح، اسناد را اخذ و به صاحبش رد می نماید و صورت مجلسی در هر دو باب تنظیم و امضاء می نماید و رسید اوراق را گرفته به متصدی امور متوفی می دهد.

ماده ۵۷- هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجراء مواد این قانون بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده یا متوجه شوند و کیلی از عهده انجام وظیفه و کالتی بر نمی آید و هم چنین هرگاه از سوء اخلاق و اعمال و کیلی مطلع گردند مکلفند بدون تأخیر، مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند - در صورت تخلف به مجازات انظامی تا درجه ۴ محکوم خواهند شد.

ماده ۵۸- فصل دوم قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ و ماده ۶ قانون مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۰۸ و قانون مصوب اول مرداد مصوبه اول مرداد ۱۳۰۹ و قانون وکالت مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۴ نسخ می شود.

از آئین نامه قانون وکالت^(۱)

مصوب ۱۹ خرداد ماه ۱۳۱۶

فصل اول - در تعیین وکلاء محدود

و کارگشایان درخواست پروانه وکالت

ماده ۳- برنامه امتحانات کارگشایان عبارت است از:

- ۱- کلیات قانون اصول محاکمات حقوقی.
- ۲- کلیات قانون اصول محاکمات جزائی.

۱- صفحات ۱۸۵ - ۱۷۷ مجموعه قوانین سال ۱۳۱۶.

۳- کلیات قانون اصول محاکمات مدنی.

۴- کلیات قانون اصول عمومی.

۵- کلیات قانون اصول قوانین و نظامنامه‌های ثبت اسناد و املاک.

۶- قانون و نظامات راجعه به وکالت.

۷- کلیات قوانین تجاری.

ماده ۴- امتحان کتبی و شفاهی است و حداکثر نمرات شش است. شش خیلی خوب - پنج خوب - چهار کافی - سه قابل قبول - دو بد - یکی خیلی بد.

ماده ۵- برای قبول شدن در امتحان حداقل معدل امتحان کتبی و شفاهی نباید از سه کمتر باشد و معهدا هر داوطلبی که دارای یک نمره یک یا دو نمره دو باشد مردود است.

ماده ۱۶- تقاضای رسیدگی از محکمه انتظامی که در ماده ۱۲ قانون وکالت مقرر است به وسیله عرضحال بعمل می‌آید و هرگاه معترض مسنداتی داشته باشد و ضمیمه عرضحال نماید پس از ابلاغ عرضحال به قسمت تشکیلات وکلاء دیگر سندی از او پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۱۷- عرضحال باید در دو نسخه تنظیم و یک نسخه از آن را دفتر دیوان عالی تمیز در ظرف پنج روز از تاریخ وصول به قسمت تشکیلات وکلاء بفرستند.

ماده ۱۸- هرگاه اختلاف صلاحیت علمی تقاضاکننده برای شغل وکالت یا برای درجه مورد تقاضا باشد محکمه انتظامی اختیاری از معلومات او بعمل خواهد آورد اختیار مزبور کتبی و شفاهی است و هرگاه راجع به صلاحیت اخلاقی تقاضاکننده باشد محکمه عالی انتظامی اظهارات نماینده دفتر کل بازرسی تشکیلات وکلاء را استماع خواهد نمود.

فصل دوم - در تشکیلات کانون وکلاء و معاضدت قضائی

ماده ۳۴- مؤسسه معاضدت قضائی در مرکز است و دارای شعب ذیل می‌باشد:

۱- دبیرخانه.

۲- شعبه عرایض.

۳- شعبه قضائی.

ماده ۳۵- کارکنان معاضدت قضائی باید حتی‌المقدور از بین وکلاء عدلیه انتخاب شوند و ممکن است برای آنها حق الزحمه در بودجه کانون منظور شود.

ماده ۳۶- تقاضای معاضدت به دبیرخانه مؤسسه مزبور داده می‌شود کسانی که دور از مرکز

معاضدت قضائی هستند می‌توانند مستقیماً یا توسط کانون محل در صورتی که تشکیل شده باشد و یا به وسیله دفتر عدلیه اقامت خود تقاضا نمایند.

در این صورت کانون یا دفتر عدلیه محل موظف است تقاضانامه را به انضمام مستندات و مدارکی که به موجب ماده (۳۷) این نظامنامه مقرر است در اسرع اوقات به دبیرخانه معاضدت قضائی ارسال دارند.

ماده ۳۷- در صورتی که معاضدت قضائی لازم بدانند که توضیحاتی از تقاضا کننده بخواهد مشارالیه به وسیله نامه یا اخطار احضار می‌شود ولی هرگاه اقامتگاه خارج از مرکز معاضدت قضائی باشد تحقیقات به وسیله یکی از وکلاء یا دفتر عدلیه محل یا پارکه محل اقامت تقاضا کننده بعمل می‌آید:

۱- تصدیق از معتمدین یا کلانتری محل اقامت تقاضا کننده مبنی بر عدم قدرت او برای تأدیه حق الوکاله.

۲- رونوشت مدارک دعوی.

ماده ۳۸- معاضدت قضائی می‌تواند تحقیقاتی در دلایل دعوی بنماید و هرگاه تشخیص دهد که مقصود تقاضا کننده سوءاستفاده و شرخری است از تعیین وکیل خودداری و تقاضا را رد نماید.

ماده ۳۹- در صورت رد، تقاضا کننده می‌تواند در ظرف (ده روز) به هیئت مدیره کانون شکایت کند.

رأی هیئت مدیره قطعی است.

ماده ۴۰- کلیه ارجاعاتی که از طرف معاضدت قضائی در حدود صلاحیت مؤسسه به وکلاء یا دفاتر عدلیه یا پارکه‌ها می‌شود باید به اسرع وقت انجام گردد.

ماده ۴۱- شعبه عرایض پس از وصول عرضحال به طریق ذیل اقدام خواهد نمود.

هرگاه عرضحال ناقص باشد نواقص آن را به دفتر دستور خواهد داد و اگر عرضحال کامل باشد عقیده خود را در پیشرفت دعوی خواهد نوشت و در صورتی که پیشرفت داشته باشد آن را به شعبه قضائی تسلیم خواهد نمود.

شعبه قضائی وکیلی را برای تقاضا کننده معین می‌نماید.

ماده ۴۲- ابلاغات در سه نسخه صادر می‌شود:

نسخه اول به تقاضا کننده داده خواهد شد و نسخه ثانی در پرونده مربوط بایگانی و نسخه ثالث برای ابلاغ به وکیل انتخابی به دفتر کانون ارسال می‌شود.

ماده ۴۳- وکیل منتخب مکلف است قرارداد حق الوکاله تنظیم نموده نسخه دوم آن را با رسید وکالتنامه به دبیرخانه معاضدت قضائی بفرستد و پس از ختم دعوی در صورتی که موکل محکوم له واقع شود و خمس حق الوکاله را که در قرارداد تنظیمی مقرر است وصول و به صندوق کانون ایصال دارد مگر اینکه ثابت نماید که دریافت حق الوکاله قانوناً غیرمقدور است.

ماده ۴۴- وکیل انتخابی باید از جریان کار مرجوع شعبه قضائی را مطلع دارد.

ماده ۴۵- وکیل انتخابی می تواند از شعبه مؤسسه راجع به طرز اقداماتی که لازم است مشورت کند.

ماده ۴۶- در مواردی که انجام مقدمات و تشریفات مربوطه به معاضدت قضائی موجب انقضاء موعدی از تقاضاکننده بشود رئیس کانون مستقیماً وکیل انتخاب نماید مشروط به اینکه تقاضانامه از حیث ضمايم کامل باشد.

ماده ۴۷- قرارداد حق الوکاله معاضدتی به اسم معاضدت قضائی تنظیم می شود و مأمور وصول حق کانون محاسبات مؤسسه مزبور است.

ماده ۴۸- نمونه اوراق تقاضانامه و سایر اوراق مربوطه به امور معاضدت را هیئت مدیره کانون تعیین خواهد نمود.

ماده ۴۹- دفتر معاضدت مکلف است اطلاعاتی که از طرف وکیل انتخابی واصل می شود به موکل ابلاغ نماید.

فصل چهارم - در تکالیف و تشکیلات دارالوکاله

ماده ۵۴- وکلاء عدلیه مکلفند محل سکونت خود را کتباً به قسمت تشکیلات وکلاء اطلاع دهند و در صورتی که محل سکونت خود را تغییر دهند مراتب را با قید محل اقامت جدید در ظرف ۲۴ ساعت به قسمت مزبور بنویسد.

ماده ۵۵- وکلاء مکلفند دارای دفاتر ذیل باشند:

۱- دفتر ثبت.

۲- دفتر رسید اسناد موکلین.

۳- دفتر درآمد و هزینه دارالوکاله و موکلین.

دفاتر مزبور مطابق دستور قسمت تشکیلات وکلاء تنظیم و نگاهداری خواهد شد و باید در اولین اخطار قسمت مزبور یا پارکه وکلاء ارائه و تسلیم شود.

ماده ۵۶- وکلاء عدلیه مکلفند برای هر گونه وجهی که از موکل به منظور حق الوکاله یا مخارج محاکمه یا مسافرت و یا سایر مخارج قانونی دریافت می‌کنند قبض رسید مخصوص که مطابق نمونه موجود در دفتر کانون وکلاء است به موکل بدهند و صریحاً قید نمایند وجه مأخوذه بابت حق الوکاله است یا سایر مخارج قانونی.

ماده ۵۷- وکلاء باید در مقابل هر سندی که از موکل دریافت می‌کنند اعم از اینکه سند مزبور اصل باشد یا رونوشت مصدق رسیدی مطابق نمونه مخصوص که در کانون وکلاء موجود است به موکل بدهند و نوع سند، مفاد و تاریخ آن را در ورقه رسید قید نمایند.

ماده ۵۸- وکلاء مکلفند همه ساله در مهر و فروردین ماه صورت‌حساب شش ماه گذشته را برای موکل بفرستند صورت‌حساب تفصیلی است و رونوشت آن در پرونده مربوطه به موکل بایگانی می‌شود.

ماده ۵۹- وکلاء مکلفند در ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام تعلیق پروانه وکالت و دفاتر وکالتی خود را در مرکز به قسمت تشکیلات وکلاء و در ولایات به مدعیان عمومی که سمت نمایندگی دفتر کل بازرسی و تشکیلات وکلاء را دارند تسلیم نمایند که تا تعیین تکلیف قطعی آنها در پرونده آنها بایگانی شود این ماده شامل اشخاصی که قبل از اجراء قانون وکالت معلق گردیده‌اند نیز می‌باشد و تا تعیین تکلیف قطعی پروانه و دفاتر در پرونده وکیل معلق موقتاً بایگانی می‌شود متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰- وکلاء عدلیه و کارگشایان نباید بالاتر از درجه‌ای که دارند قبول وکالت نمایند.

ماده ۶۱- وکلاء عدلیه و کارگشایان نباید:

- ۱- در امور وکالتی ایجاد وسائط نمایند.
- ۲- برای تعویق حق طرف از وکالت موکل استعفا داده و سپس به وسیله وکالت‌نامه جدیدی همان دعوی را تعقیب نمایند.
- ۳- برای تطویل محاکمه و تعویق در احقاق حق ادعای جعل و یا تعیین جاعل نمایند و یا به طور کلی موجبات تطویل محاکمه را فراهم آورند.

ماده ۶۲- وکلاء مکلفند لوایح و نوشتجات خود را طبق اوراق مخصوصی که در لوحه آن نام و محل اقامت خود و دارالوکاله مربوطه را قید کرده باشند به محاکم تسلیم نمایند و حتی المقدور ماشین تحریر استعمال نموده و یا مکاتبات را با خط خوب و خوانا بنویسند.

ماده ۶۳- وکلاء مکلفند وکالت‌نامه‌هایی که از موکلین دریافت می‌دارند طبق اوراق

مخصوصی که برای این کار مقرر است تنظیم و به موکل بدهند متخلف در وهله اول به سه ماه انفصال و در صورت تکرار ممنوع الوکاله خواهد شد.

ماده ۶۴- وکلاء درجه اول مکلفند برای پذیرائی موکلین و انجام وظایف وکالتی خود دارای دارالوکاله که مطابق نظامات ذیل باشد، باشند:

- ۱- محل آنان مناسب و به قسمت تشکیلات وکلا اطلاع داده شده باشد.
 - ۲- لاقل دارای یک نفر وکیل که سمت معاونت دارالوکاله را خواهد داشت و به اندازه کافی عضو تحریری داشته باشد.
 - ۳- همه روزه لاقل چهار ساعت برای پذیرائی ارباب رجوع مفتوح و ساعات پذیرائی در درب ورود اعلام شده باشد و یک نفر عضو برای انجام تقاضای ارباب رجوع حاضر باشد.
 - ۴- دارای ثبت و بایگانی منظم باشد و برای هر موکل پرونده که محتوی کلیه اقداماتی که شده باشد.
 - ۵- دفتر نماینده به نام موکلین داشته باشند.
- ماده ۶۵- وکلاء عدلیه نباید به هیچ عنوان و عذری عرضحال که از حیث تمبر ناقص باشد به محاکم تقدیم دارند.**

فصل پنجم - در لباس

ماده ۶۶- وکلاء درجه اول و دوم عدلیه مکلفند در موقع محاکمات جنائی و در سایر محاکماتی که قضات با لباس قضائی هستند و همچنین در مواردی که از طرف قسمت تشکیلات و وکلاء به آنها ابلاغ می شود با لباس مخصوص وکالت حاضر شوند استعمال لباس وکالت غیر از موارد فوق ممنوع است.

ماده ۶۷- لباس مخصوص وکالت عبارت است از لباده و کلاه مشکی و یقه لب شکسته سفید و دستمال گردن سفید چین دار مطابق نمونه که در قسمت تشکیلات وکلاء موجود است با شلووار و کفش و جوراب مشکی استعمال می شود.

ماده ۶۸- داشتن لباس وکالت برای وکلاء درجه اول و دوم اجباری است.

ماده ۶۹- لباس اعضای هیئت مدیره دارای مشخصات ذیل است:

مغزی طلائی در طرفین پارچه که از شانہ چپ به طرف جلو آویخته شده (اپی تژ) و علامت کانون که روی آن در قسمت پائین مليله دوزی شده باشد.

دوره کلاه و روی (اپی تژ) لباس رئیس کانون مليله دوزی به شکل برگ گل سرخ که طرفین آن

دارای نوار ملیله دوزی به عرض ۲ سانتیمتر است.

لباس نایب رئیس مطابق لباس رئیس است به استثناء ملیله دوزی طرفین برگ سرخ.
ماده ۷۰- علامت ممیزه لباس وکلانی که دارای درجه علمی لیسانس هستند. عبارت از پوست سفیدی است به عرض شش سانتیمتر که در آخر (اپی تژ) در جلو و پشت دوخته می شود اعضاء مؤسس کانون مرکزی می توانند علامت کانون را در روی (اپی تژ) استعمال نمایند.

برای استعمال علائم ممیزه مندرجه در این ماده باید قبلاً از طرف دفتر کل بازرسی و تشکیلات وکلاء تحصیل اجازه نمود.

لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری^(۱)

مصوب پنجم اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون های مشترک مجلسین

ماده ۱- کانون وکلای دادگستری مؤسسه ایست مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر دادگاه استان تشکیل می شود.

در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود.

کانون وکلای دادگستری از قسمت های ذیل تشکیل می شود:

الف - هیأت عمومی.

ب - هیأت مدیره.

ج - دادرسی انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء.

ماده ۲- کانون وکلای هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد.

هیأت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و ۶ نفر عضو علی البدل تشکیل می شود و در سایر مراکز دادگاه های استان مرکب از ۵ نفر عضو اصلی و ۳ نفر عضو

علی‌البدل خواهد بود.

هیأت مدیره عهده‌دار اداره امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است.

رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیئت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.

ماده ۳- هیأت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلای که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضاء هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد.

وکلائی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر اینکه:

۱- محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند.

۲- در حال تعلیق از وکالت نباشند.

ماده ۴- اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء از بین وکلاء پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند:

الف - لااقل ۳۵ سال داشته باشند.

ب - لیسانسیه حقوق بوده و لااقل ۱۰ سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آنکه ۵ سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.

ج - وکلای که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی که می‌توانند انتخاب شوند که دارای مدت ۲۰ سال سابقه وکالت و یا ۲۰ سال سابقه وکالت و قضاوت باشند به شرط آنکه

۵ سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند.

د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.

ه - سوء شهرت نداشته باشند.

تبصره - رئیس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء رؤسا و اعضاء دادگاه‌های انتظامی وکلا و دادستان و دادیاران دادسرای انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آنان را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره دادگاه و دادسرای انتظامی وکلاء محکوم خواهد کرد.

دادگاه عالی انتظامی قضاات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند - رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۵- هیأت مدیره کانون وکلای مرکز از بین اعضای خود یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیأت مدیره مرکب از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.

ماده ۶- وظایف کانون وکلاء به قرار زیر است:

- الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.
- ب - اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان.
- ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلاء و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلاء.
- د - معاضدت قضائی.

همراه آوردن و سائل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.

ماده ۷- از تاریخ اجراء این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می‌شود که از دانشکده‌های حقوق داخله یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند.

اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند - پس از اختیار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می‌شود.

ماده ۸- به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلاء داده می‌شود:

الف - به کسانی که دارای ۱۰ سال متوالی یا ۱۵ سال متناوب سابقه خدمات قضائی بوده و لااقل ۵ سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضاات نشده باشد.^(۱)

ب - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمات قضائی داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

۱- توجه شود به ماده ۶ از قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضاات مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۳۳۸۷ - ۱۳۳۵/۷/۱ که مفاد آن چنین است:

صاحبان رتبه‌های قضائی دادگستری که به تقاضای خود بازنشسته یا منتظر خدمت می‌شوند در آخرین حوزه که قبل از بازنشسته شدن یا انتظار خدمت انجام وظیفه می‌نموده‌اند تا سه سال حق اشتغال به وکالت دادگستری را نخواهند داشت.

ج - نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالییه از حوزه علمیه قم و ۵ سال سابقه کار قضائی در محاکم باشند.^(۱)

تبصره ۱^(۲) - کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده ۲ سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - کانون ملزم است در مورد تقاضاهای پروانه کارآموزی یا وکالت ظرف مدت شش ماه اتخاذ تصمیم نماید.^(۳)

د - کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق قضائی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالییه از حوزه علمیه قم یا حداقل ۵ سال سابقه کار متوالی یا ۱۰ سال متناوب در سمت‌های حقوقی در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و نیروهای مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن سی سال سابقه خدمت بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کارآموزی.^(۴)

ماده ۹ - کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته می‌شوند.

ماده ۱۰ - به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱- اتباع خارجه.

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳- محجورین و هم‌چنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۱- اصلاح شده به موجب بندهای ۳ و ۱ ماده واحده قانون اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۳/۱۲/۵) مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۳/۴/۲۲ شورای نگهبان، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۳۸۹ - ۱۳۷۳/۵/۱۱.

۲- الحاقی به موجب بندهای ۳ و ۲ ماده واحده مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵.

۳- اصلاح شده به موجب بندهای ۳ و ۱ ماده واحده قانون اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۳/۱۲/۵) مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۳/۴/۲۲ شورای نگهبان، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۴۳۸۹ - ۱۳۷۳/۵/۱۱.

۴- الحاقی به موجب بندهای ۳ و ۲ ماده واحده مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۶- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و با آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی است.

۷- کسانی که به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.

ماده ۱۱- وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند:

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رئیس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم‌مقام آنان برسد و در صورتی که اقامتگاه کیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رئیس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد.

تبصره - مقامات قضائی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوایر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲- در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳- دادسرای انتظامی وکلاء مرجع رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان وعده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت ۲ سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.

دادسرای انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد.

قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلاء خواهد بود.

در صورتی که دادگاه انتظامی وکلاء قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی

کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴- رسیدگی به تخلفات وکلاء و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلاء است.

دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه یک که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد، تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلاء پایه یک انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند.

مجازات‌های درجه یک و دو و سه نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او بعمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادسرای انتظامی وکلاء و رئیس کانون از حکم براءت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نمایند.

مرجع تجدیدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۵- در صورتی که رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخرلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادسرای انتظامی وکلاء اطلاع دهند در صورتی که دادسرای مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلاء ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادسرای انتظامی وکلاء تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.

ماده ۱۶- هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء با ذکر دلایل امر، تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد می‌تواند تقاضای تجدیدنظر کند.

ماده ۱۷- از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

ماده ۱۸- در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیأت مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را بکار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این